

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۳ اکتوبر ۲۰۲۱

سیاست پول و منفعت طلبی بردگان سرمایه

سیاست پول و منفعت طلبی بردگان سرمایه؛ عامل شکاف فزاینده ثروتمند و فقیر در امریکا



اخیراً ده هزار کیله در کنار مجسمه مشهور نیویورک معروف به «گاو برنز وال استریت» قرار داده شده و مجسمه جدیدی از یک گوریل نیز در طرف مقابل آن خودنمایی کرده است.

سازمان دهندگان این اقدام عنوان کرده اند که این حرکت آنها اعتراضی است به شکاف رو به گسترش میان قشر ثروتمند و فقیر و کاپیتالیسم و سرمایه داری بی رحم در امریکا. گوریل در این بین نمادی است از قشر طبقه ضعیف در تقلاي امریکا و کیله نیز نمادی است از دیوانگی وال استریت!

سؤال اینجاست که شکاف فعلی بین قشر ثروتمند و فقیر در امریکا در حال حاضر تا چه اندازه دیوانه کننده است؟ با نگاهی به دو مجموعه جدید از داده های ارائه شده از سوی فدرال رزرو امریکا مشخص می شود که اولین مجموعه داده ها نشان می دهد ۱۰ درصد از ثروتمندترین ها در امریکا مالک ۸۹ درصد از سهام و وجوه در این کشور هستند که در نوع خود یک رکود بالا محسوب می شود. مجموعه دوم داده ها نیز حاکی است که درآمد ۱ درصد قشر برتر مربوط به فوق ثروتمندان امریکائی برای اولین بار از زمان جمع آوری آمار در امریکا، از مجموع دارائی قشر متوسط در این کشور فراتر رفته است.

در عین حال، نظرسنجی های اخیر انجام شده توسط دانشگاه هاروارد و سایر نهادها با محور شرایط زندگی مردم قشر ضعیف و طبقه پائین در امریکا نشان می دهد که ۴۰ درصد از خانوارها دارای مشکلات شدید مالی اند و تمام پس انداز حدود یک پنجم از این خانورها نیز تمام شده است.

در اینجا این سؤال به ذهن خطور می کند که چرا امریکائی که تنها ابرقدرت جهان محسوب می شود، صدای مردم قشر فقیر و ضعیف خود را نمی شنود و اجازه می دهد که شکاف بین ثروتمند و غنی در این کشور تا این اندازه گسترش پیدا کند؟

در پاسخ باید به تضادهای عمیقاً ریشه دار در نظام سرمایه داری امریکا اشاره کرد اما با این حال علت این شکاف در این تضادها خلاصه نمی شود. همانطور که در گزارش شورای حقوق بشر ملل متحد نیز آمد، در جامعه ثروتمندی همچون امریکا، فقر شدید دائمی نتیجه انتخاب های سیاسی کسانی است که در رأس قدرت حضور دارند و اگر یک اراده سیاسی وجود داشته باشد، مشکل فقر مطلق در امریکا قابلیت ریشه کن شدن را دارد.

بدیهی است که امریکا فاقد این اراده سیاسی است چرا که سیاست این کشور اساساً سیاست پول است به طوری که گروه کوچکی از نخبگان که قدرت سیاسی و اقتصادی این کشور را در دست دارند، مدت هاست که برده سرمایه شده اند و اولین طرز فکر این قشر در مواجهه با شکاف بین غنی و فقیر، حفاظت از منافع شخصی خودشان است.

مجله «فورچون» در مقاله ای نوشت در حالی که میلیون ها نفر از مردم امریکا برای تأمین مخارج زندگی شان در طول همه گیری کرونا در تقلا و گرفتاری به سر می برند، اما روال پرداخت پاداش به مدیران ارشد شرکت های بزرگ امریکائی همچنان دست نخورده باقی مانده است. بر اساس آمار موجود، درآمد مدیر عاملان شرکت های بزرگ امریکا در سال ۲۰۲۰ میلادی رشدی ۱۶ درصدی داشته اما حقوق کارگران معمولی این کشور صرفاً ۱.۸ درصد افزایش پیدا کرده است. این تضاد آشکار، دموکراسی امریکائی را که مدعی تبلیغ عدالت و برابری است، به سوژه ای برای تمسخر و خنده تبدیل می کند.

ده سال پیش بود که معترضان جنبش «وال استریت را اشغال کنید» شعار «۹۹ درصدی و ۱ درصدی» سر دادند تا نابرابری های موجود در جامعه امریکا را محکوم کنند. امروز ده سال از زمان برگزاری آن تظاهرات می گذرد اما قوانین جامعه امریکا همچنان دست نخورده باقی مانده و شرایط دو قطبی و تضاد بین قشر ثروتمند و فقیر در این کشور شدت پیدا کرده است.

ده سال پیش بود که صدای بلند معترضان در وال استریت بلند شد و امروز ده سال از آن زمان می گذرد و شکایت بی سر و صدا و خاموشی به شکل اعتراض با ۱۰ هزار کیله به راه افتاده است.